

## درنگی در امکان اجرای قاعده ی "التعزیر فی کل عمل محرّم"

### در حریم خصوصی افراد

۱- جعفری، حسین ۲- علمی سولا، محمد رضا ۳- رجائی پور، مصطفی

۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

۲ استاد یار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد مشهد

۳ استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی مشهد

نویسنده مسئول: h.jafari0@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷

#### چکیده

نوشتار حاضر، در جهت تحلیل اثبات این مطلب است که قاضی بر طبق اطلاق این قاعده می‌تواند در حریم خصوصی افراد مداخله و فرد مرتکب را تعزیر نماید.

لسان اطلاق قاعده، جواز دخالت در حریم خصوصی افراد را می‌رساند بر این مبنا که ماهیت جرم و گناه (معصیت) را طبق نظر برخی از فقیهان متلازم و مساوی بدانیم به گونه‌ای که اگر قاضی علم به معصیت پیدا کند، در واقع علم به جرم پیدا نموده است و حق مداخله را خواهد داشت. چرا که اگر قاضی نتواند به علمش عمل کند، علم وی جایگاهی در استناداتش نخواهد داشت! در حالی که وی باید به علمش عمل نماید.

هدف از این پژوهش، چگونگی تعارض و رفع آن، بین آیات و روایات و اطلاق قاعده مذکور است، با این بیان که آیات و روایات، حاکی از عدم جواز نقض حریم خصوصی و اطلاق قاعده مذکور طبق ملازمه ماهیت جرم و گناه حاکی از جواز مداخله در حریم خصوصی افراد است.

چگونگی رفع تعارض، بحث در تحلیل و بررسی دو مقام است که مقام اول (عدم التزام به تساوی جرم و گناه) تخصصاً از موضوع بحث خارج بوده و مورد بحث، مقام دوم (علم قاضی به انجام گرفتن معصیت و تلازم ماهیت جرم و گناه طبق نظر برخی از فقیهان) است.

بررسی اقوال فقیهان و تحلیل آن به دست می‌دهد که اختلاف مبنایی است با این بیان که اگر قائل به تساوی ماهیت جرم و گناه (به اعتقاد برخی از فقیهان) باشیم و قاضی هم علم به معصیت پیدا کند، وی بر اساس اطلاق قاعده می‌تواند در حریم خصوصی افراد مداخله نماید؛ و در همین فرض است که تعارض مذکور به وجود می‌آید. اما اگر به تفاوت ماهیت جرم و گناه قائل شدیم که واقع همین است، امکان اجرای قاعده در حریم خصوصی افراد نیست. **کلیدواژه:** تعزیر، حریم خصوصی، علم قاضی، معصیت و گناه، نظم اجتماع.

#### مقدمه

لازم است اول مفهوم «حریم خصوصی» و ابعاد آن روشن شود و بعد تفکیک شود بین آنجایی که معصیتی مخفیانه و به دور از چشم دیگران در چهارچوبه شخصی انجام شده به طوری که قاضی به آن علم ندارد و موردی که وی به آن علم دارد و بین آنجایی که عمل محرّم مخل نظم اجتماع است و جنبه عمومی را هدف قرار می‌دهد و بین آنجایی که مخل نظم اجتماع نیست.

یکی از حقوق اساسی بشر که مرتبط با کرامت انسان می‌باشد، حق حریم خصوصی است که از ابتدایی ترین حقوق افراد بوده و سابقه ی تاریخی هم داشته است. حفظ این حریم از اصول اولیه و ضروری می‌باشد و سایر افراد باید آن را درک کرده و مورد تعرض قرار ندهند.

در اینکه «حق حریم خصوصی» محترم است، اختلاف نظری وجود ندارد، علاوه بر اینکه اجتماع و حکومت هم موظف است حق حریم خصوصی افراد را رعایت کنند. به دیگر سخن، دخالت حکومت و حاکم در عرصه امور شخصی و فردی که از آن تعبیر به حریم خصوصی می‌شود، ضمن تنافی با فلسفه ی تشکیل حکومت ها باعث سلب امنیت روانی و شخصی افراد تحت سلطه ی حکومت می‌گردد. زیرا اساس حکومت برای حفظ نظم و امنیت است و نباید آزادیهای مشروع را سلب کند (حسینی تاش، ۱۳۸۶، ۲۰۳/۱).

تکلیف به حفظ حریم خصوصی و رعایت حقوق شهروندی وظیفه ای همگانی می‌باشد و چنانچه حریم خصوصی افراد مورد تجاوز و تعدی و نقض قرار گیرد، این قانون است که به حمایت از زیان دیده برمی‌خیزد؛ از همین روی قانونگذار در ماده ۴ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می

دارد: هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد شود (طهماسبی، ۱۳۹۵، ۱/ ماده ۴.ق.آ.د.ک). توجه قانونگذار به حریم خصوصی و اهمیت آن از منظر وی به حد و درجه ای از اهمیت بوده است که حتی حفظ آن را در خصوص متهم لازم و ضروری دانسته است، به طوری که برای ناقضان آن ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است و متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد (مصلاحي، ۱۳۷۹، ماده ۵۷۰.ق.م.ا).

### ۱- مفهوم و معنای حریم خصوصی، تعزیر، جرم و گناه

حریم خصوصی با اینکه پُرکاربردترین حق برای هر فردی شناخته شده است، ولی ارائه ی تعریف روشنی از آن آسان نیست. به دلیل اینکه یک مفهوم سیال است. حریم در لغت واژه ی عربی بوده و از ریشه ی (حاء و راء و میم) است و به معنای منع و تشدید آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۵/۲). این واژه به دو صورت مفرد و مرکب به کار رفته است؛ و معنای این دو صورت با هم متفاوت می باشد، در قالب مفرد به معنای شریک (زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۳۵/۱۶)، و چیزی که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد، به کار رفته است؛ چون اعراب جاهلی هنگامی که می خواستند طواف کنند، لباس هایشان را در می آوردند و برهنه طواف می نمودند، بدین جهت که در آن لباسها گناه کرده بودند و تا پایان طواف به آنها نزدیک نمی شدند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲۰/۱۲؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۱۸۹۶/۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۲۲/۳). اما در قالب مرکب، به معنای «اطراف و پیرامون» است؛ (حمیری، ۱۴۲۰، ۱۴۰/۲/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲۵/۱۲) مانند: حریم چاه که به معنای زمین اطراف و پیرامون آن است، یا حریم خانه که به زمین اطراف آن گفته می شود که استفاده ی کامل از خانه بدان نیازمند است. حریم خصوصی یعنی «وضعیت و حالتی که اعمال و تصمیم های شخص از توجه عمومی و دقت دیگران برای ورود بدون مجوز یا مداخله آزاد باشد» (ساریخانی، ۱۳۹۰، ۸۳).

جان لاک می گوید: «هر انسانی در درون خود یک قلمروی شخصی دارد و تأکید می کند که هیچ کس غیر از خودش حقی برای ورود به این قلمرو را ندارد» (کارل، ۱۳۷۵، ۴۲).

می توان حریم خصوصی را این گونه تعریف نمود: قلمرویی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً انتظار دارد که دیگران بدون اجازه و رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمروی شخصی دسترسی نداشته باشند و یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند. به دیگر سخن، دیگران قلمروی شخصی وی را مورد تعرض قرار ندهند؛ برای مثال: ورود بدون اجازه به منازل و اماکن دیگران، تفتیش بدنی، افشا و برملا کردن مسائل خصوصی افراد در جامعه و رهگیری انواع مکالمات و ارتباطات و ... نمونه هایی از تعرض به حریم خصوصی افراد محسوب می شود.

بهترین تعریفی که تاکنون ارائه شده، بدین قرار است: «حریم خصوصی آن بخش از حیات هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می باشد و هر گونه تصمیم گیری درباره ی آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله ی دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن مجاز نیست» (اسکندری، ۱۳۸۹، ۱۵۷).

چون حریم خصوصی قلمروی شخصی و فردی است، هیچ کس نمی تواند به آن وارد شود و در محدوده ی آن مداخله کند چنانکه حضرت امام نیز همانند مدیری مدبر همگان را به حفظ و رعایت این اصل فراخواند، تا آنجایی که ایشان در این باره می فرماید: «ورود به حریم خصوصی افراد جرم و گناه است و بدون اجازه ی آنها جایز نیست» (منصور نژاد، ۱۳۸۶، ۱۵۹؛ خمینی، ۱۳۶۲، ۱۴۰/۱۷).

پس از نظر حضرت امام اصل، عدم مداخله در حریم خصوصی افراد است به گونه ای که حتی حاکم و فقیه مجاز به مداخله نبوده و دخالت خودسرانه ی آنها را از اسباب سقوط ولایت شمرده است، مگر اینکه مصلحتی در کار باشد، مانند اینکه حریم خصوصی در تزامم با مصلحت عمومی قرار بگیرد، که در این صورت مصلحت اجتماع مقدم می شود.

در کتب لغت برای واژه ی تعزیر معانی متعددی ذکر شده است که بعضی از این معانی مشابه و بعضی مخالف یکدیگر می باشد. در لسان العرب آمده است: «تعزیر از ریشه عزز- فتح عین و سکون زاء- به معنای سرزنش ملامت کردن، تازیانه ی کم تر از حد، یاری رساندن با شمشیر آمده است، ولی معنای اصلی آن منع و بازداشتن است؛ و علت نامگذاری تعزیر این است که گنهکار را از انجام دادن گناه باز می دارد».

همه ی اهل لغت واژه ی جرم را به ذنب و گناه معنا کرده اند و هیچ اختلافی در این معنا نیست (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۸۸۵/۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۱۸/۶؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۹۹/۷؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۱۰۴۰/۲؛ جزری، بی تا، ۱/ ۲۶۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹۱/۱۲).

### ۲- آیات و روایات دال بر حریم خصوصی و عدم تعرض و مداخله در حریم خصوصی

در اهمیت حریم خصوصی همین بس که شخص می تواند فردیت خویش را حفظ نماید، زیرا هر فردی معمولاً حق زندگی و امنیت شخصی را دارد و در آیات و روایات اگر چه این اصطلاح (حریم خصوصی) نیامده اما از مفهوم و محتوای آن حمایت و تأکید شده است، مبنی بر اینکه حریم شخصی افراد محترم است و نباید مورد تعرض قرار بگیرد.

۲-۱- آیات:

موارد و مصادیقی که در قرآن راجع به حریم خصوصی به کار رفته است، به چند دسته تقسیم بندی می شود: ممنوعیت ورود به منازل دیگران بدون استیذان، ممنوعیت سوء ظن، ممنوعیت تجسس، ممنوعیت غیبت، ممنوعیت اشاعه فی فحشاء و ممنوعیت عیب جویی از دیگران. در ابتدا آیات و سپس روایات ذکر می شود:

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا فَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَّبُوا بُيُوتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَأَتَتْهُمْ فِي بُيُوتِهِمْ خَالِدِينَ بِغَيْرِ عِلْمٍ مِّنْهُمُ الْبُيُوتَ الَّتِي هُمْ فِيهَا يَكُونُونَ» (نور/۲۷): ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه های غیر از خانه های خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ تا شاید متذکر شوید. در کتاب تفسیر نمونه آمده است که جمله «تستأنسوا» از ماده ی (أنس) به معنای اجازه ی همراه با لطف و محبت و تحیت (درود) و صداقت می باشد نه اجازه ی خشونت آمیز. به دیگر سخن، هنگام وارد شدن با تحیت و سلام وارد شوید و فریاد نکشید و در را محکم نکوبید. (مکارم شیرازی، بی تا، ۶۷/۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴/۱۳۷۱/۴۵۷).

۲- «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور/۲۸): اگر کسی را در آن (خانه) نیافتید وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر به شما گفته شد، «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است؛ و خداوند به آنچه که انجام می دهد، آگاه است. طبق این دو آیه، نمی توان بدون اذن وارد خانه ی دیگری شد، مگر اینکه صاحبخانه اذن بدهد، علاوه بر این، نگاه کردن به داخل خانه ی کسی هم مجاز نیست، مگر این که در خانه باز باشد (طبرسی، ۲۳۸/۱۴۱۵، ۷).

۳- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲): ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها اجتناب کنید، چرا که بعضی از گمانها گناه است، و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده ی خود را بخورد؟ به یقین همه ی شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است. آیات قرآن به صراحت دلالت دارد بر اینکه حریم خصوصی افراد محترم است. علامه طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان ذیل این آیه می فرماید: واژه ی «لاتجسسوا» به معنای پیگیری و تفحص از امور شخصی و پنهانی مردم است که صاحبان آنها خواستار مخفی ماندن این امور هستند؛ و طبق آیه افراد نباید در مقام افشای این امور برآیند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۱۸/۳۲۳).

شیخ طبرسی در کتاب مجمع البیان ذیل این آیه روایتی را که از ابی قلابه نقل شده است، ذکر می کند و مضمون آن بدین گونه است که به عمر خبر دادند که ابومحجن ثقفی و دوستانش در خانه ای شراب می خوردند، عمر وارد منزل وی شد در حالی که ابومحجن خطاب به عمر گفت: خداوند این کار را بر تو حرام کرده است. راوی میگوید: در این هنگام بود که عمر از خانه بیرون رفت (طبرسی، ۱۴۱۵، ۹/۲۲۵).

مخاطبان این آیه به جهت مورد سوء ظن قرار نگرفتن، تجسس نشدن و غیبت نکردن مؤمنان و مسلمانان هستند. از طرفی زندگی هر انسانی بستگی به حیثیت و آبرویش دارد و سلب آبروی وی از طریق افشای اسرار مساوی با از بین رفتن حیات وی است.

۴- «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور/۱۹): در این آیه خداوند متعال نسبت به کسانی که دوست دارند در میان مردم با ایمان زشتیها را اشاعه دهند، عذاب دنیوی و آخروی را روا دانسته است. منظور از «فاحشه» همان افشاگری عیوب مردم و غیبت کردن آنهاست؛ زیرا غیبت کردن و افشای اسرار و عیوب دیگران، عین انتشار فحشاء می باشد؛ و خداوند به آثار و عواقب اشاعه ی آن در دنیا و آخرت آگاه است و می داند که چگونه برای جلوگیری از این عمل زشت احکام را نازل کند. این واژه مفهوم وسیعی دارد و هر گونه نشر فساد و اشاعه ی زشتی و قبیح را در بر می گیرد، اگر چه در قرآن، فاحشه غالباً به معنی انحرافات جنسی به کار رفته است، اما گاهی اوقات در همین معنای وسیع استعمال شده است، (شوری/۳۷) چنانکه راغب اصفهانی گفته است؛ این واژه به معنای هر گونه رفتار و گفتاری که زشتی آن بزرگ می باشد، به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۲۶).

۵- سخن چینی و عیب جویی هم از جمله نقض حریم خصوصی به شمار می آید که در آیه ی ۱۱ سوره ی قلم آمده است.

## ۲-۲- روایات

موارد و مصادیقی راجع به حریم خصوصی در روایات به کار رفته است که به چند دسته تقسیم می شوند: ممنوعیت سرک کشیدن، ممنوعیت فال گوش ایستادن، ممنوعیت تجسس، ممنوعیت ورود بدون استیذان، ممنوعیت عیب جویی از دیگران، ممنوعیت اقدام ناحق علیه مؤمن و ممنوعیت افشای سر مسلمان.

۱- امام صادق (ع) در رابطه با سرک کشیدن به خانه ی مردم چنین می فرماید: «أَيُّمَا رَجُلٍ أَطَّلَعَ عَلَىٰ قَوْمٍ فِي دَارِهِمْ لِيَنْظُرَ إِلَيْهِمْ فَرَمَوْهُ فَرَمَوْهُ فَفَقْتُوْا عَيْنَيْهِ أَوْ جَرَحُوهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۷/۲۹۱؛ قشیری، بی تا، ۱۸۱/۶).

هر مردی که به خانه ی مردم سرک بکشد تا به امورات خصوصی آنها بنگرد و آنان به او تیراندازی نموده و چشمش را کور کنند یا اینکه او را زخمی کنند، دیه ندارد.

۲- عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمودند: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ يَصِبُ فِي أَدْنِيهِ الْأَنْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (حویزی، ۱۴۱۲، ۹۳/۵).

هر کس به سخنان دیگران گوش دهد در حالی که آنان رضایت ندارند، در روز قیامت به گوشه‌های او سرب داغ می‌ریزند. و روایتی هم به همین مضمون در کتاب محاسن و وسائل الشیعه به نقل از محمد بن مروان از امام صادق (ع) وجود دارد که مرتکب چنین عملی در روز قیامت عذاب می‌شود (برقی، ۱۳۷۱، ۶۱۷/۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۹۷/۱۷).

۳- حدیث دیگری که در کتاب کَنْز الْعَمَال آمده (مبنی بر وارد نشدن افراد به حریم خصوصی و محترم بودن آن)، بدین قرار است: عُمَرُ شَبِي مَشْغُولٍ گشت زنی بود که از خانه ای صدای آواز شنید و برای تفحص بیشتر از دیوار خانه ای که صدا از آنجا برخاسته بود، بالا رفت و صاحب منزل را صدا زد، اما صاحب خانه خطاب به عُمَر گفت: شتاب مکن، اگر من یک معصیت انجام دادم، تو سه معصیت را مرتکب شدی. اول اینکه؛ خداوند متعال در قرآن فرموده است: تجسس نکنید، اما تو تجسس کردی.

دوم اینکه؛ خداوند فرموده: از در وارد شوید، اما تو از دیوار بالا آمدی. سوم اینکه؛ خداوند فرموده: با معرفی و اذن وارد شوید، اما تو بدون اذن وارد شدی (متقی، ۱۴۰۹، ۸۰۸/۳).

این حدیث به صراحت حکایت می‌کند که حریم خصوصی افراد نباید مورد تعرض قرار بگیرد.

۴- حُكْمِ پیامبر (ص) در قضیه ی سَمْرَه از نمونه های تاریخی است که حکایت دارد بر این مطلب که ورود بدون اذن در خانه ی مردم ممنوع است. زُرَّارَه از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «سَمْرَه در خانه ی مرد انصاری درخت خرمایی داشت و بدون اینکه از صاحبخانه اجازه بگیرد وارد خانه می‌شد، مرد انصاری نزد پیامبر شکایت کرد و ایشان هم از سَمْرَه خواستند که بدون اذن وارد نشود، اما وی قبول نکرد و حتی پیامبر از وی خواستند که از آن درخت صرف نظر کند و در عوض درخت دیگری را در آخرت دریافت کند، اما باز هم مؤثر واقع نشد؛ در نهایت پیامبر خطاب به مرد انصاری فرمود که درخت او را برکنند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۲۸/۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹۲/۵).

۵- ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «اگر کسی خطاها، لغزش‌ها و گناهان مؤمنی را با دو چشم خود دیده یا با دو گوش خود شنیده است، برای دیگران بازگو کند، در آخرت عذاب می‌گردد» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱۵/۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱۱/۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۳۵۷/۲).

۶- از امام صادق (ع) روایت شده است که پیامبر (ص) فرمود: «لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۵۵/۲). درباره ی لغزشهای مؤمنان تجسس و جستجو نکنید، زیرا هر کس لغزشهای برادر مؤمن خود را پی‌جویی کند، خداوند هم نیز لغزشهای او را پی‌جویی خواهد کرد و او را رسوا می‌سازد هر چند در درون خانه‌اش باشد؛ و روایتی هم به این مضمون در کتاب وسائل الشیعه وارد شده است: «که هر کس در کشف و جستجوی لغزشهای برادرش گام بردارد، پای در آتش دوزخ نهاده است». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸۶/۱۲).

۷- امام صادق (ع) می‌فرمایند: «مَنْ أَعَانَ عَلَى مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۹۴/۴).

هر کس علیه مؤمنی کاری انجام دهد که به او ضرر وارد شود ولو با گفتن کلمه‌ای، در روز قیامت در حالی محشور می‌شود که روی پیشانی‌اش نوشته مایوس از رحمت خداوند.

۸- پیامبر (ص) در وصیت خود خطاب به ابوذر می‌گوید: از افشای سرب برادر مسلمان اجتناب نماید (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۰۷/۱۲).

۹- از پیامبر (ص) درباره ی ممنوعیت تجسس نقل شده است: «از گمان بپرهیزید، چون ظن دروغ‌ترین سخن هاست و تجسس و تفتیش نکنید» (حمیری، بی تا، ۱۵/۱). و همین طور در کتاب بیهقی نقل شده است: اگر افراد در پی کشف اسرار مردم باشند آنها را به فساد یا نزدیک به آن ساخته‌اند که اگر زمامدار ملتیی بخواهد بدگمانیهای خود را دنبال کند، ملت خود را به تباهی و فساد خواهد کشاند (بیهقی، بی تا، ۳۳۳/۸).

۱۰- امیر مؤمنان علی (ع) در کتاب نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفاپیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهان تو از کار آنان سبب امانتداری و مهربانی مردم خواهد بود» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۳۷۴). اگر به سخن حضرت توجه شود، حاکی از این مطلب است که فلسفه ی جاسوسان، خبر گرفتن از دشمنان اسلام و نظارت بر کار مسئولان و متولیان حکومت بوده است که نه تنها حاکمان بلکه افراد هم مأمور به نظارت بر امور شخصی مردم نبودند، چنانکه از ادامه ی فرمایش حضرت به مالک این مطلب آشکار می‌گردد: مردمی را که عیبجو ترند از خود دور کن، چون مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان کردن آن از همه سزاواتر است (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۳۷۴). این فرمایش حضرت حاکی از آن است که ورود به حریم خصوصی افراد از جانب حکومت منهی عنه است.

سؤال: طبق آیات قرآن از جمله آیه ی ۱۲ سوره ی حجرات، و علاوه بر آن، روایات که عدم تجسس در حریم خصوصی را ساماندهی می‌کند، چگونه می‌توان سخن امام علی (ع) را مبنی بر گماردن جاسوسان در حکومت اسلامی توجیه ساخت؟

جواب: جهت کنترل فعالیت‌های دشمنان اسلام و نظارت و کنترل امور آنها و جلوگیری از خیانت علیه نظام و حفظ بیت المال و حکومت اسلامی، عقل وجود جاسوسان و بازرسان را ضروری می‌داند و «لاتجسسوا» در این موارد که به نوعی جنبه ی عمومی را هدف قرار می‌دهد، تخصیص می‌خورد. محدوده ی «لاتجسسوا» و تجسس نکردن مربوط به حیطه ی حریم خصوصی افراد می‌شود.

آیات مذکور که عدم تعرض به حریم خصوصی را می‌رساند، شامل حال مسلمانان (چه به صورت انفرادی و چه در قالب حاکمان) می‌شود؛ آیات و روایات حاکی از این مطلب هستند که حمایت از حریم خصوصی پیشینه‌ی دراز مدتی داشته به گونه‌ای از جانب خداوند متعال و حجج ایشان بر زمین مورد تأکید قرار گرفته است و همگان به آن سفارش شده‌اند. در محدوده‌ی حریم خصوصی اصل این است که هیچ کس اعم از افراد و دولت چون وظیفه‌ی دولت و حاکم این است که امنیت و آزادی مشروع افراد را تأمین کند، و اگر قرار باشد دولت و حاکم در حریم افراد مداخله کند و موجبات سلب آزادی آنان را فراهم آورد، هدف از تشکیل حکومت لغو می‌شود؛ به همین جهت است که آزادی مشروع افراد نباید مورد تهدید قرار بگیرد، مگر اینکه در تضاد با نظم عمومی جامعه باشد و محدود به حوزه‌ی خصوصی وی نباشد. آحق مداخله و هر گونه تجسس و اعمال محدودیت را نداشته است مگر زمانی که این حق (حریم خصوصی) با مصالح اجتماع تراحم پیدا کند، که در این صورت مصالح اجتماع و حریم عمومی مقدم است. به تعبیر رساتر، حق مداخله در حریم خصوصی افراد نیاز به دلیل دارد و بدون دلیل ورود به حریم آنان ممنوع می‌باشد.

### ۳- چگونگی تعارض و رفع آن

سؤال بدین صورت است که آیا این قاعده‌ی (التعزیر فی کل عمل محرّم) در حریم خصوصی افراد جاری هست یا نیست؟ به تعبیری آیا قاضی بر اساس اطلاق این قاعده می‌تواند در حریم خصوصی افراد مداخله و فرد مرتکب را تعزیر نماید؟

بحث در دو مقام می‌باشد. قبل از ورود به بحث شبهه‌ای طرح می‌شود: چگونه قاضی می‌تواند در محرماتی که مخفیانه در حریم خصوصی افراد انجام می‌گیرد، مداخله و تعزیر نماید، در حالی که جرمی ثابت نشده است؟ جواب این شبهه در اثنای بحث مشخص می‌شود.

اشکال یا تعارض از این جهت است که بر اساس اطلاق قاعده‌ی مذکور و علم قاضی به معصیت طبق تلامز جرم و گناه به اعتقاد برخی فقیهان، وی حق دارد در حریم خصوصی افراد دخالت کند و فردی که مخفیانه و در خانه اش مرتکب عملی حرام از جمله: شرب خمر یا زنا شده است، را مجازات نماید.

بحث در مقام اول: در صورتی که امکان تحصیل علم برای قاضی وجود نداشته باشد و یا این که آن مبناء را (ملازمه‌ی جرم و گناه) نپذیریم، وی نمی‌تواند به حریم خصوصی افراد ورود پیدا کند و مرتکب را تعزیر نماید، به دیگر سخن در این مقام، قاعده تخصصاً از موضوع بحث خارج است؛ و امکان اجرای قاعده در حریم خصوصی افراد متوقف بر علم قاضی و مبنای مذکور (ملازمه جرم و گناه) می‌باشد.

بحث در مقام دوم: در این قسمت جواب شبهه‌ی مطروح هم روشن می‌گردد، بدین گونه که اگر قاضی به انجام گرفتن معصیت علم پیدا کند، چون معصیت و جرم طبق یک نظر از لحاظ نسبت منطقی با یکدیگر متلازم هستند، و قاضی علم به جرم پیدا نموده و می‌تواند در مورد گناهی که در چهارچوبه‌ی شخصی افراد رخ داده است، مداخله نماید و مرتکب را مورد مجازات حد یا تعزیر قرار دهد؛ همان گونه که از سخن این دسته از فقیهان برمی‌آید. چون این دسته از فقیهان در کلامشان ارتکاب هر گناهی را که مستلزم حد نباشد، موجب تعزیر می‌دانند. (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ۴۱۶ - ۴۱۷؛ طوسی، ۶۹/۱۳۸۷، ۸؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۴۲۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳/۵۳۴ - ۵۳۵؛ خمینی، بی تا، ۴۸۱/۲).

اکثریت فقه‌های شیعه و اهل سنت بر این باورند که هر کس فعلی حرامی را انجام دهد و یا واجبی را ترک کند، امام وظیفه دارد او را به میزان کم تر از حد تعزیر کند، تا آنجا که عبد القادر عوده (فقیه اهل سنت) در کتابش این حکم را مورد اتفاق علمای مسلمان دانسته و گفته است: «هر معصیتی که موجب حد نباشد و کفاره هم نداشته باشد، خواه معصیت و نافرمانی خداوند، خواه تزییع حق آدمی باشد، موجب تعزیر است و علما در این مسئله اختلاف نظری ندارند» (عوده، ۱۴۰۲، ۱۹۰/۱).

این گروه از فقیهان ارتکاب هر گناهی را که مستلزم حد نباشد، موجب تعزیر می‌دانند و از سویی می‌دانیم جرم در اصطلاح حقوقی قابلیت مجازات دنیوی را دارد اما گناه اختلافی است و نمی‌دانیم آیا قابلیت مجازات دنیوی را دارد یا نه؟ از کلام این دسته از فقیهان که هر گناهی را مستوجب تعزیر می‌دانند معلوم می‌شود که جرم و گناه را مساوی می‌دانند و قائلند که گناه به مانند جرم قابلیت مجازات دنیوی را دارد. پس قاضی بر اساس اطلاق قاعده و در فرض ملازمه‌ی مذکور، می‌تواند در مورد گناهی که در چهارچوبه‌ی شخصی افراد رخ داده است، مداخله و تعزیر کند.

اشکال و یا تعارض از این جهت است که بر اساس مقام دوم (وجود علم قاضی با قبول ملازمه‌ی مذکور) قاضی بر اساس اطلاق قاعده می‌تواند در حریم خصوصی افراد دخالت کند، در حالی که قرآن و روایات حاکی از عدم جواز نقض حریم خصوصی هستند و به تعبیری حکایت می‌کنند از این مطلب که به حریم خصوصی افراد تجاوز نکنید. پس لسان اطلاق قاعده در این فرض مذکور، جواز مداخله در حریم خصوصی افراد را می‌رساند، اما لسان آیات و روایات، حاکی از عدم جواز مداخله و عدم تعرض به حریم خصوصی است.

### ۳-۱- پاسخ به اشکال و راه حل برون رفت از تعارض (شبهه)

علاوه بر پاسخی که برای رفع تعارض قاعده‌ی مذکور با آیات و روایات در این فرض (ملازمه‌ی جرم و گناه و علم قاضی به معصیت) گفته شد، باید ادعان نمود که قاضی فقط در صورتی می‌تواند به علمش عمل کند و بر اساس اطلاق قاعده در حریم خصوصی افراد مداخله نماید که آن جرم و معصیتی که در حریم خصوصی افراد انجام شده است، یک جرم سازمان یافته‌ای باشد که زمینه‌ی اختلال در نظم اجتماع و فساد آن را در پی داشته باشد و علاوه سبب جریحه دار شدن حریم عمومی شود و در تراحم با حقوق دیگران باشد. به دیگر سخن، اگر جرمی یا معصیتی (طبق ملازمه‌ی جرم و گناه

طبق نظر برخی فقیهان) در حریم خصوصی انجام شده است. این چنین آثاری را در پی داشته باشد و افزون بر آن قاضی هم علم به معصیت پیدا نماید، وی می‌تواند به جهت حفظ مصلحت اجتماع بر اساس اطلاق قاعده در حریم خصوصی افراد مداخله نماید. آیات و روایات را هم باید این گونه توجیه کرد: اینکه در آیات و روایات آمده است که به حریم خصوصی افراد تجاوز نکنید، در صورتی است جرم و گناه ارتكابی در حریم خصوصی زمینه‌ی افساد اجتماع را در بر نداشته باشد و یا ناظر به حقوق دیگران و در تراحم با آن نباشد؛ به دیگر سخن، حریم و مصلحت عمومی را جریحه‌دار نسازد. اما اگر گناهی که در حریم خصوصی افراد و در خفا انجام گرفته باشد منجر به این آثار نامطلوب مذکور در جامعه شود، قاضی بر اساس قاعده‌ی مذکور حق دارد در حریم شخصی افراد دخالت کرده و آنان را تعزیر نماید؛ اما اگر معصیت ارتكابی فقط محدود به حوزه‌ی شخصی و حریم خصوصی باشد و در تراحم با مصلحت اجتماع و یا حقوق دیگران نباشد، قاضی حق مداخله در حریم خصوصی را نخواهد داشت. مثلاً در مجامعه شوهر با زوجه‌ی حائض، اگر چه به ظاهر فرد مرتکب گناه شخصی شده و عمل مجامعه شوهر با همسرش مخفی بوده است اما در صورتی که بر خلاف رضایت زن و همراه با سرو صدای او باشد و اعتراض وی را در پی داشته باشد به گونه‌ای که دیگران بفهمند، در اینجا فرد نه به خاطر گناهی که در حریم خصوصی اش مرتکب شده، بلکه به خاطر اینکه گناه انجام شده در حریم خصوصی اش ناظر به حقوق دیگران بوده و با نارضایتی زن علنی شده است، تعزیر می‌گردد (ایازی، ۱۳۸۶، ۲۱۳).

یا به طور مثال شخصی در حریم خصوصی خویش در حال توطئه و جاسوسی علیه منافع ملی کشور باشد؛ چون در این مورد این عمل با مصلحت اجتماع در تضاد است. لذا موجب جواز دخالت قاضی می‌باشد.

### نتیجه گیری

بنابراین اگر به تساوی جرم و گناه (معصیت) طبق نظر برخی از فقیهان معتقد باشیم قاضی هم علم به معصیت پیدا کند، طبق نظر این گروه از فقیهان در واقع قاضی علم به جرم پیدا نموده است و از طرفی وی باید به علمش عمل کند؛ پس وی می‌تواند بر اساس اطلاق قاعده در حریم خصوصی افراد مداخله و فرد مرتکب را تعزیر نماید. و در همین فرض است که تعارض بین قاعده و آیات و روایات به وجود می‌آید؛ چرا که مفاد قاعده، جواز دخالت قاضی چه در حریم خصوصی و چه عمومی است و مفاد آیات و روایات، عدم جواز دخالت وی چه در حریم خصوصی و چه عمومی می‌باشد. لذا رابطه‌ی بین قاعده و آیات و روایات، رابطه‌ی تباین است و برای رفع تعارض باید بدین گونه ملتزم شد که طبق اهمیت خاصی که شارع و عقل برای مصلحت اجتماع و نیز حق الناس قائل است؛ در غیر این دو مورد، عدم جواز دخالت قاضی و در این دو مورد، جواز دخالت وی است.

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم

- ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم. ابن زهره، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام. چاپ اول
- ابن فارس، ابوالحسین بن زکریا. (۱۴۰۴ق). معجم المقاییس اللغة. محقق و مصحح عبد السلام محمد هارون. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. چاپ اول.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، تصحیح احمد فارس صاحب الجوائب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر. چاپ سوم.
- ابو الصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه. مصحح و محقق رضا استادی. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام. چاپ اول
- اسکندری، مصطفی. «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، مجله‌ی حکومت اسلامی، ۱۳۸۹، سال پانزدهم، ش ۴، صص ۱۴۷-۱۷۶.
- ایازی، محمد علی. «نقد و بررسی ادله‌ی فقهی الزام حکومتی حجاب»، مجله‌ی کاوشی نو در فقه، ۱۳۸۶، سال چهاردهم، ش ۵۱ و ۵۲، صص ۱۸۷-۲۳۳.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامیه. چاپ دوم
- بیهقی، ابی بکر محمد بن حسین. (بی تا). السنن الکبری. بیروت: دارالفکر.
- جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد. (بی تا). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۴۱۰ق). الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیه. محقق و مصحح احمد عبد الغفور عطار بیروت: دار العلم للملایین. چاپ اول.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. مصحح و محقق گروه پژوهش مؤسسه‌ی آل بیت (ع). قم: موسسه‌ی آل بیت (ع). چاپ اول.
- حسینی تاش. سید صادق (۱۳۸۶). رابطه‌ی جرم و گناه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
- حمیری، عبد الله بن جعفر. (بی تا). قرب الاسناد. تهران: کتاب فروشی نینوا. چاپ اول.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولوم. به تحقیق و تصحیح حسین بن عبد الله العمری، مطهر بن علی الاریانی، یوسف محمد عبد الله. بیروت: دارالفکر المعاصر. چاپ اول.

حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۲ق). تفسیر نور الثقلین. تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی مصلاتی. قم: مؤسسه اسماعیلیان للطباعة و النشر و التوزیع. چاپ چهارم.

خمینی، روح الله. (۱۳۶۲ش). صحیفه نور مجموعه آثار امام. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی. چاپ اول.  
\_\_\_\_\_ (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم. چاپ اول.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، محقق صفوان عدنان داودی. لبنان، سوریه: دار العلم-الدار الشامیة. چاپ اول.  
زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. محقق و مصحح علی شیری. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. چاپ اول.

ساریخانی، عادل و دیگران. «قلمروی پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام»، فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی، ۱۳۹۰، دوره چهارم، ش ۱۶، صص ۸۱-۱۰۴.

شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. به تحقیق و تصحیح عزیز الله عطاردی. قم: مؤسسه نهج البلاغه. چاپ اول.  
صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. محقق و مصحح محمدحسن آل یاسین. بیروت: عالم الكتاب. چاپ اول.  
صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دار الاضواء. چاپ دوم.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی. قم: کانون انتشارات محمدی. چاپ اول.  
طبرسی، ابو علی الفضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تعلیق و تحقیق گروهی از علما و محققین. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. محقق و مصحح سید محمد تقی کشفی. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة. چاپ سوم.

طهماسبی، جواد. (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری. قم: نشر میزان. چاپ دوم.  
عوده، عبد القادر. (۱۴۰۲ق). التشریح الجنایی الاسلامی فی المذاهب الخمسه مقارناً بالقانون الوضعی. تهران: الدراسات الاسلامیة فی مؤسسه البعثة. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین، محقق و مصحح مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی. قم: نشر هجرت. چاپ دوم.  
قشیری نیسابوری، ابن مسلم. (بی تا). جامع الصحیح (صحیح مسلم). بیروت: دارالفکر.  
کارل، هوسمن. «حرمت حریم خصوصی در برابر مردم به آگاهی از رویدادها»، ترجمه‌ی داود حیدری، مجله رسانه، ۱۳۷۵، سال هفتم، ش ۳، صص ۴۲-

۵۱

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط-الاسلامیة)، محقق و مصحح علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیة. چاپ چهارم.  
متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. ضبط و تفسیر شیخ بکری حیاتی، تصحیح و فهرست صفوة السقا. بیروت: مؤسسه الرساله. چاپ پنجم.

مصلحی، علیرضا. (۱۳۷۹). قانون مجازات. تهران: نشر ادبستان. چاپ اول.

مکارم شیرازی (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دهم.

\_\_\_\_\_ (بی تا). الامثل فی تفسیر کتاب الله. بی جا.

منصور نژاد، محمد. «نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان»، مجله‌ی حکومت اسلامی، ۱۳۸۶، ش ۲، صص ۱۴۰-۱۶۴.

نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. به تحقیق و تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام). بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول.